چرا برخی مردم دیگر حوصله حفظ فاصله اجتماعی را ندارند؟

دورهمی زیر گوش کرونا

مریم طالشی
گزارش نویس

«هر شب صدای میهمانی از یک خانه به گوش می‌رسد؛ دورهمی‌هایی که تا نیمه شب طول می‌کشد و معلوم است تعداد میهمان‌ها کم هم نیست. برایم عجیب است که در این شرایط مردم چطور اینقدر راحت میهمانی می‌گیرند و دور هم جمع می‌شوند. من خودم یک سال است نه میهمانی رفته‌ام و نه میهمانی به خانه‌ام آمده. کم‌کم آدم‌هایی مثل من تعدادشان کم می‌شود. انگار همه کرونا را فراموش کرده‌اند.»

اینها را سپیده می‌گوید که در یک آپارتمان ۷۵ متری زندگی می‌کند و به گفته خودش بقیه واحدهای ساختمانشان هم همین متراژ را دارند و با این حال دورهمی‌های شبانه برقرار است و حتی ساعت منع تردد هم نتوانسته مانعی بر سر راه میهمان‌ها ایجاد کند.

«من خودم اوایل خیلی رعایت می‌کردم. اوایل که در واقع تا همین یکی دو ماه پیش. نه جایی می‌رفتم و نه میهمان دعوت می‌کردم اما دیگر خسته شده‌ام. آدم تا کی می‌تواند روابط اجتماعی نداشته باشد؟» این را محمد می‌گوید که طبق گفته‌اش دیگر خیال ندارد به خودش سخت بگیرد. او اینطور ادامه می‌دهد: «من می‌دانم که دورهم جمع شدن به هرحال مخاطراتی دارد اما الان به نظرم افسردگی ضررش بیشتر است. من قبلاً هم رفت‌وآمد چندان زیادی نداشتم اما دلم به این خوش بود که هر از چند گاهی با دوستانم دور هم جمع می‌شویم و گپی می‌زنیم و خستگی یک هفته کار از تنمان در می‌رود. الان آن یک هفته کار و خستگی‌اش هست اما از دورهمی و تجدید قوا خبری نیست. این آدم را خسته می‌کند و کسانی مثل من را که مراعات می‌کردند هم به طرف بی‌خیالی سوق می‌دهد. آدم اگر بداند تا کی این وضعیت ادامه دارد، باز می‌تواند به منوال مراعات ادامه دهد اما وقتی هیچ چیز معلوم نیست و مشخص نیست واکسن چه موقع به همه می‌رسد، دیگر آدم‌ها هم خسته می‌شوند و خودشان را از گیر و دار رعایت کردن رها می‌کنند. ما مردم عادی هستیم و دستمان هم به جایی بند نیست. تنها کاری که می‌توانستیم بکنیم همین مراعات پروتکل‌هایی بود که الان دیگر از آن هم دلزده شده‌ایم.»

فرشید معتقد است رعایت پروتکل‌ها و نپذیرفتن دعوت به میهمانی و دورهمی، کم‌کم آدم را از دایره دوستانش جدا می‌کند: «من در بین دوستانم تنها کسی هستم که مخالف میهمانی رفتن هستم و به‌خاطر همین هم بارها از طرف آنها مورد تمسخر قرار گرفته‌ام. به‌تدریج هم طوری می‌شود که از جمع کنار گذاشته می‌شوی. این اتفاقی است که برای من هم افتاد. الان عکس گروه دوستانم را در اینستاگرام می‌بینم که دور هم جمع می‌شوند و میهمانی می‌گیرند یا گروهی مسافرت می‌روند. همین عید هم همه‌شان با هم سفر رفته بودند. آخرش هم به من انگ وسواسی بودن می‌زنند تا کار خودشان را توجیه کنند. حتی یکی دو نفرشان بشدت معتقدند که کرونا وجود ندارد و بازی رسانه است چون اگر کرونا وجود داشت تا حالا باید خودشان می‌گرفتند.»

مهتاب و شوهرش از جمله افرادی هستند که در این مدت چندان به پروتکل‌ها پایبند نبوده‌اند و دل به دریا زده‌اند. آنها که یک دختر سه ساله دارند مردادماه سال گذشته به کرونا مبتلا شده‌اند و حالا به گفته خودشان دیگر خیالشان هم راحت است که نمی‌گیرند و برای همین آنطور که می‌گویند اگر ماسکی هم می‌زنند برای دیگران است که چپ‌چپ نگاهشان نکنند. هرچقدر هم که بهشان می‌گویند ممکن است دوباره بگیرند، به خرجشان نمی‌رود. مهتاب می‌گوید: «من یک بچه کوچک دارم که تمام مدت در خانه است. اگر شرایط عادی بود بچه را باید مهد کودک می‌گذاشتم تا با بچه‌های دیگر ارتباط داشته باشد اما حالا به خاطر کرونا می‌ترسم بچه را مهد ببرم. تصور کنید بچه‌ای که با هیچ‌کس جز مادر و پدرش ارتباط ندارد چطور می‌تواند روابط اجتماعی پیدا کند؟ در کانال‌های روانشناسی خوانده‌ام که بچه‌ها در اثر تنها ماندن در کودکی، در آینده منزوی و دچار اختلالات روانی می‌شوند. در این مدت ما با چند خانواده از اقوام و دوستان که مثل خودمان بچه کوچک دارند رفت‌وآمد کرده‌ایم تا بچه‌ها با هم ارتباط داشته باشند و بازی کنند. کرونا را هم از جمع شدن و دورهمی نگرفتیم. گمان کنم شوهرم از محل کارش مبتلا شده بود و به من هم انتقال داد و ربطی به میهمانی ندارد. در ضمن ما خفیف گرفتیم و با آدم مسن هم رفت‌وآمد نمی‌کنیم.»

بعضی‌ها را هم ترس از دست دادن عزیزانشان به سمت ایجاد ارتباط دوباره با آنها سوق داده است. مثل آقای محمودی که خودش حدود ۵۰ ساله است و نگران این است که اگر بیشتر از این به روال سابق پیش مادر ۸۰ ساله‌اش نرود، آیا فرصت دیگری برای این دیدارها خواهد داشت؟ «ما سال‌هاست هر جمعه خانه مادرم جمع می‌شویم، من و خواهر و برادرهایم با بچه‌ها و نوه‌ها. البته من نوه ندارم اما خواهر بزرگترم دو تا نوه دارد که نتیجه‌های مادرم محسوب می‌شوند و مادر من عاشق این بچه‌هاست. از شروع کرونا دیگر این دورهمی‌ها تعطیل شد و کسی خانه مادرم نرفت. دیدارها به همان ملاقات‌های جلوی در و از پشت پنجره ختم شد. فکر می‌کردیم این شرایط را تحمل می‌کنیم و بالاخره می‌گذرد و دوباره روال سابق برقرار می‌شود اما الان یک سال گذشته و اگر بخواهیم به همین شکل ادامه دهیم معلوم نیست اصلاً دیگر بتوانیم با حضور مادرم دور هم جمع شویم یا نه. مادر من حدوداً ۸۰ ساله است و با اینکه سلامت است و خودش بدون نیاز به کسی کارهایش را انجام می‌دهد، باز هم سنش بالاست و در این سن هر اتفاق ناگواری قابل پیش‌بینی است. البته عمر دست خداست و ممکن است من خودم زودتر از مادرم بمیرم اما دلم می‌سوزد از اینکه آنقدر خانه مادرم نرویم که بعداً پشیمان شویم. خودش هم بارها گفته که من عمرم را کرده‌ام و اگر همین حالا هم بمیرم راضی و خوشحالم. به همین دلیل ما دوباره به روال سابق جمعه‌ها خانه مادر دور هم جمع می‌شویم و البته سعی می‌کنیم فاصله را تا جایی که می‌توانیم حفظ کنیم. مادرم هم دوباره خوشحال است و همین ما را آرام می‌کند. الان می‌بینم که وقتی خانه مادرم می‌رویم اگر همسایه‌ها در پارکینگ و آسانسور با ما مواجه شوند خیلی سرد و گاهی خشمگین برخورد می‌کنند چون حتماً فکر می‌کنند ما آدم‌های بی‌مبالاتی هستیم که سلامت مادرم را به خطر می‌اندازیم اما دلیلش همین چیزی است که گفتم.»

برای همه ما روزهای سختی سپری شده؛ روزهایی که شاهد از دست رفتن جان‌های عزیزی بوده‌ایم. کرونا هنوز هست و ما شاهد آغاز موج چهارم در شهرهایی از کشور هستیم. آمار مرگ در اثر کرونا دوباره سه رقمی شده و ابتلا هر روز رکورد می‌زند. از طرف دیگر مردم خسته و بی‌حوصله‌اند و نوروز را فرصتی شمردند برای رهایی از خستگی یک سال سخت گذشته. تعطیلات نوروز تمام شد و کرونا همچنان می‌تازد. برخی دل به دریا زده‌اند و می‌گویند دیگر ترسی ندارند و برخی با تردید به روزهای پیش رو چشم دوخته‌اند و در دلشان هم بیم هست و هم امید.

عکس: مهر

> من می‌دانم که دورهم جمع شدن به هرحال مخاطراتی دارد اما الان به نظرم افسردگی ضررش بیشتر است. من قبلاً هم رفت و آمد چندان زیادی نداشتم اما دلم به این خوش بود که هر از چند گاهی با دوستانم دور هم جمع می‌شویم و گپی می‌زنیم و خستگی یک هفته کار از تنمان در می‌رود. الان آن یک هفته کار و خستگی‌اش هست اما از دورهمی و تجدید قوا خبری نیست. این آدم را خسته می‌کند

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۶۳۱

آسان

	۸					۶		۱
			۱		۸			
۱			۷	۳	۹	۲	۵	
	۷	۳	۶	۹		۵	۱	
		۱				۶		
	۶	۴		۲	۱	۹	۸	
۶			۹	۵	۳		۱	
			۸		۲			
					۴		۷	۲

متوسط

۸			۹			۶	۷	
۹	۴		۳		۸			۵
		۵	۱					
			۸			۳	۶	
۷	۱						۵	۹
	۵	۳			۹			
					۲	۷		
۵			۶		۱		۸	۴
	۸	۲			۷			۶

سخت

		۷	۴					۳
	۲				۹		۵	
		۴	۵	۸				
		۵			۸		۱	
۷	۴						۲	۹
	۱		۶			۵		
				۲	۵	۷		
	۵		۳				۸	
۸					۴	۲		

خیلی سخت

				۲	۳	۷		
۷				۴				۳
۶						۹		
		۷	۲					۸
	۳	۱				۹	۵	
۵					۱	۲		
	۵							۹
۸				۱				۶
		۴	۸	۳				

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۳۱

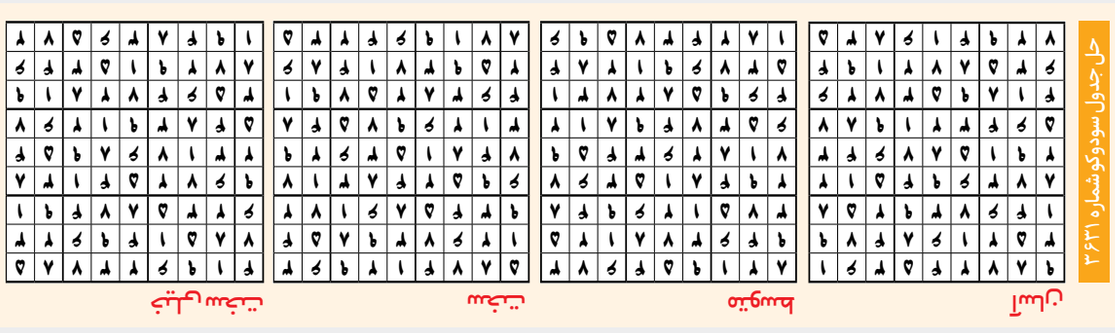

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۹۷

جدول عادی

◀ افقی:
۱- ماه هفتم میلادی- معقول و قابل پذیرش
۲- مطالبه رسمی وجه سفته- نوبت بازی- بی‌حس
۳- ژنرال جنگ‌های انفصال- کوچک، خرد- سوغات «مراغه»- صحنه نمایش
۴- بیکارگی و تنبلی- مادرآذری- ابزاری شبیه چکش
۵- چیدن محصول- مایه فخر- گرم
۶- بستن- رنگی برای فرش- باطل کننده
۷- آلودگی و ناپاکی- فانتزی- شرکت خودروسازفرانسوی
۸- گپ اینترنتی- رساله دکتری- کم مانده آدم شود!
۹- ریسمان- رئیس جمهوری ابدی کره شمالی- کاندیدا
۱۰- اندیشه کردن- مکمل حقوق در اسفند کارمندان!- حمام‌تکی
۱۱- صعود- کارسهل انگارانه و بی‌دقت- گل ناامید!
۱۲- دخترگشتاسب- عقاید- سستی
۱۳- معبر رود- طیران- هوش، حافظه- گرد دهان از جانب بیرون
۱۴- رنگ- ضلعی در مثلث- سرمربی کروات سابق سپاهان و پرسپولیس که ماه قبل درگذشت
۱۵- شاعر مثنوی «فرهاد و شیرین»- بیخ ریواس

▼ عمودی:
۱- موی آشفته- غذای محلی «سمنان»
۲- کارگردان دوران طلایی هالیوود- گشادگی- کتیبه
۳- آب منجمد- همکار «هاردی»- حمام‌های خصوصی گرمابه‌ها- مخلوط‌کردن
۴- نام «گاگارین»- نرم افزار پرداخت موبایلی- قسمی چراغ
۵- سلام عامیانه انگلیسی- وسیله سنجش- وسیله رفت وروب
۶- نقاش مدرن فرانسوی با نام کوچک «پل»- سرایت- ایالتی در «امریکا»
۷- خدای دروغین- بازگو کردن- خوی گیرنده- ساز آموزش موسیقی
۸- شاهکار «جین وبستر»
۹- کتاب هندوان- تکان خودمانی- آسانی- چه هنگام؟
۱۰- دروغ نیست- رقم اول از سمت راست عدد- شهری در استان «کرمان»
۱۱- خط کش مدرج- آسمانی- همدم، دوست
۱۲- سپاهیان- پرنده بخت و اقبال- غذای کودکان
۱۳- رفع مزاحم- اولین ۴ رقمی- تیم «سردار آزمون»- کلمه ربط
۱۴- سرپرستار- برگه‌های اثبات ادعا- جمع رکن
۱۵- غذای «شیرازی»- دزدیدن

جدول ویژه

◀ افقی:
۱- خطی قدیمی- اثر «اشتفان تسوایگ»
۲- تفنگ قدیمی- بیماری غیرمزمن- دیدگاه‌ها
۳- خودروی جمعی- کتاب مقدس هندوان- جمع طور- زندگی کن!
۴- غذای سبزیجاتی- گریختن- دهانه
۵- پول خارجی- بی‌خانمان- شهری در ایالت «واشنگتن»
۶- بانک ایرانی- چکاندنی تفنگ- پدر شعرنو
۷- سرخرگ اصلی بدن- پرده در- مقابل «جزئی»
۸- حالت فشرده فایل‌ها- رمز- علامت مصدر جعلی
۹- از عشاق افسانه‌ای- غلاف شمشیر- کثیف
۱۰- چاک- در اصطلاح رایانه به معنی «کارساز» است- صفت سرو
۱۱- اسم پسرانه- قطعه‌ای از موسیقی- ستاره‌ای خرد
۱۲- قوای نظامی- روز قرآنی- مطالعه و تحقیق مقدماتی
۱۳- عصاره میوه- کلید راه‌اندازی دستگاه‌ها- نوعی خودروی جیپ- حرف تمسخر
۱۴- اثری از «اوگوبتی»- نمی بیند- کشور امریکایی
۱۵- اثری دیدنی و تاریخی در «ابرکوه» یزد- جسور و بی‌پروا

▼ عمودی:
۱- تقسیم فیلمنامه- متدولوژی
۲- عملیات جنگی آزمایشی- تخت سلطنت- ریشه
۳- آبدار- جنگجو- مادر اسحاق- خیس یزدی
۴- سخن بیهوده- نزر- استان ادب پرور
۵- غده بدن که صفرا تولید می‌کند- وطنمان- قاتل امام هادی(ع)
۶- کلام درویش- ورزش نادال- جمع شیخ
۷- قهوه- مطیع- سومین ماه میلادی- همان یورش
۸- گلزن «آث میلان»
۹- نایابی- یک نماد و تگ در خدمات شبکه‌های اجتماعی- ماشین فرانسوی- یارو
۱۰- قلعه «ماکو»- کوبنده خانگی- علم طبقه‌بندی وقایع اجتماعی
۱۱- جویدنی تمام نشدنی- هوشیاری- گرده قارچ
۱۲- رودی در «آلمان»- پای اصلی خورشت قیمه- ۲۸ گرم
۱۳- حرف ربط- نام «تایسون» مشتزن بازنشسته- توقف- ضمیر متصل دوم شخص مفرد
۱۴- شکاف باریک- کسی را مالک چیزی کردن- آشکار
۱۵- فیلم «چارلی چاپلین»- محله «آرامگاه کمال‌الملک»

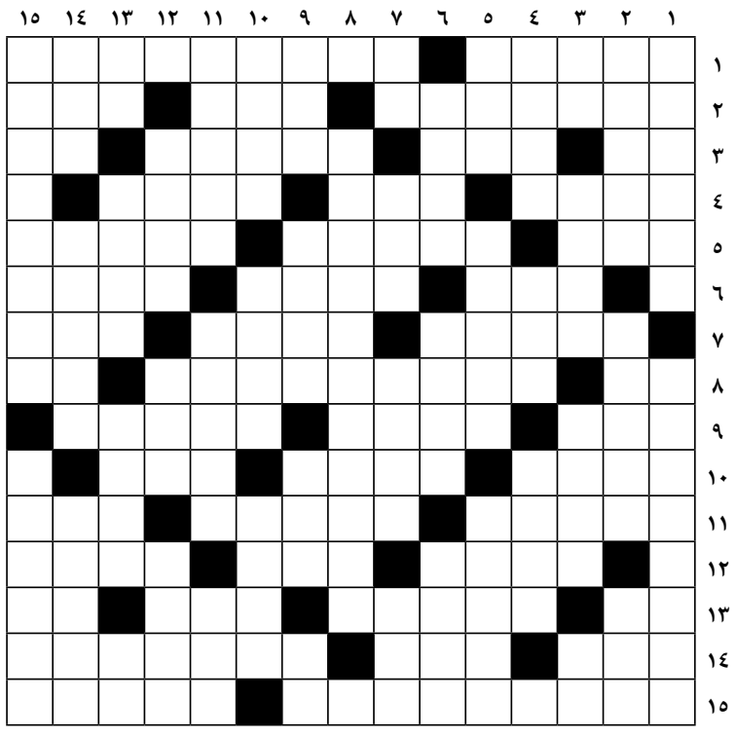

حل جدول عادی شماره ۷۵۹۶

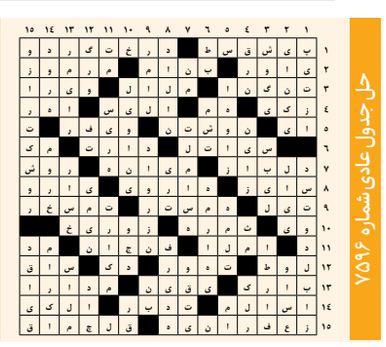
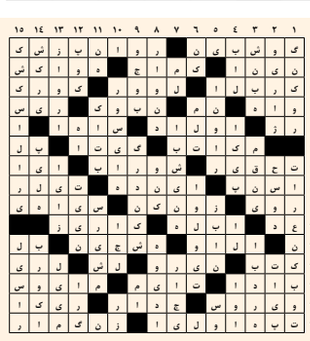
حل جدول ویژه شماره ۷۵۹۶